

گفت‌و‌گو با آنتونیو پوچه، درباره جشنواره موسیقی فجر خلیج فارس: آینه بشریت

در جشنواره اسماال موسیقی که از تاریخ یکم تا دوازدهم بهمن در تهران (تالار وحدت و فرهنگسرای نیاوران) برگزار شد، گروهی سیزده نفره از سازهای زهی ارکستر سمفونیک فلورانس و گروهی نه نفره از سولست‌های گروه کُرَم از کشور ایتالیا حضور داشتند که قطعه خلیج فارس (نمایش انسانیست)، چهار فصل آنتونیو ویوالدی (بهار و تابستان)، اورتور واریاسیون برای کلارینت و ارکستر اثر جواکینو روسینی، دو قطعه «شکوه و خوشبختی» به همراه کُر (از ویوالدی) را اجرا کردند. اگرچه اکثر اعضای گروه اولین باری بود که به ایران می‌آمدند، اما رهبر گروه ارکستر ایتالیا، آنتونیو پوچه، برای پنجمین سال متمادی در جشنواره حضور داشت. از فرصت حضور یک هفته‌ای گروه در تهران استفاده کردیم و با او به گفت‌و‌گو نشستیم. ملیحه میرزابزرگ

این چرخه دانش را یک بار دیگر تنظیم کنیم چون زمانی که گردش افکار به وجود بیاید، اندیشه به شکوفایی می‌رسد. الان هنر غرب مرحله بحرانی را طی می‌کند. می‌دانید که حرکت هنر تخطی نیست. هنر در حرکت خود توقف می‌کند، جابه‌جا می‌شود، می‌چرخد و در طول تاریخ هر گاه به دلیل دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی دچار سکنه شده، جرقه‌ای از شرق باعث جهشی چشمگیر در انواع هنرهای غرب شده است. مثلاً نقاشی آفریقا در هنر نقاشی قرن بیستم اروپا تحولی ایجاد کرده و این دوره از نقاشی غرب را نمی‌توان بدون آشنایی با هنر بدوی آفریقا درک کرد. بنابراین این تماس‌ها و ارتباط‌ها همواره و برای همه تمدن‌ها مفید و مثبت بوده است.

می‌توانید درباره موسیقی گریگوری بیشتر توضیح دهید؟

موسیقی گریگوری تک‌نواست، یعنی فقط یک صدا دارد. در غرب - برخلاف شرق - با گذشت قرن‌ها، موسیقی چندنواایی رشد پیدا کرد. در حال حاضر در موسیقی کلاسیک دست‌کم چهار نوا اصلی و محوری هست. در موسیقی گریگوری بیش‌تر روی آهنگ و لحن (Intonation) کار می‌شود. در این موسیقی «تن» و «سیمی‌تن» هست. علت این‌که به موسیقی مقامی ما مدال معروف شده این است که دارای مقام (mode)های مختلف است. در حال حاضر ما فقط مقام مازور و مینور آن را حفظ کرده‌ایم، اما در آن زمان بسته به ضرورت و هدف قطعه، مقام‌های متنوعی وجود داشت. نام گریگوری هم از اسم پاپی گرفته شده که در آن زمان به تدوین و تنظیم این موسیقی پرداخت. بنابراین دستگاه‌های اصلی این موسیقی به نام او ثبت شده است. در ایتالیا امروز این موسیقی جایگاهی تاریخی دارد. و در محافل خاص نواخته و خوانده می‌شود، از جمله در کلیسا...

آیا از امکانات صوتی که تالار وحدت و فرهنگسرای نیاوران در اختیار ارکستر گذاشت،

فرهنگی می‌پردازند. ترکیب‌بندی گروه ارکستر اسماال بر چه مبنایی بوده است؟

این ساختار کلاسیک هر ارکستری است؛ ویولن‌های ردیف اول و ردیف دوم، ویولاها، ویولن سل‌ها و کنترباس. البته ارکستر ما در ابعاد بسیار کوچک است، یعنی به ترتیب از ساختار سه، سه، سه، دو و دو و یک پیروی می‌کند. به هر حال این همان نسبتی است که در گروه‌های مثلاً صدویست نفری هم رعایت می‌شود. هر چه بر تعداد اعضا اضافه شود، شکوه و عظمت وجه تئاتری ارکستر بیش‌تر می‌شود.

میزان آشنایی شما با موسیقی مقامی، که در کشور ایران جزو موسیقی سنتی، محلی و دراویش به حساب می‌آید، چه قدر است؟

با این موسیقی آشنایی دارم و به نظر من بسیار جالب است. اما مثل همه چیزهای جالب دنیا، باید از طریق برقراری ارتباط شناسانده شود. من بر این باورم که همین‌طور که انسان‌ها برای این‌که رشد کنند، باید در بطن روابط اجتماعی باشند، فرهنگ‌های بزرگ هم باید در معرض ارتباط قرار بگیرند تا بیش از پیش غنی شوند. غنایی که فقط به واسطه تبادل فرهنگی امکان‌پذیر است. اگر موسیقی سنتی ایران با موسیقی «دیگران» در ارتباط قرار بگیرد، می‌تواند به ارتقاء هر دو موسیقی بینجامد.

چه ویژگی‌ها و جذابیت‌هایی در موسیقی ایرانی می‌بینید؟

بد نیست بدانید که موسیقی غرب ریشه در موسیقی گریگوری دارد که همان موسیقی مقامی (مدال) است. خاستگاه موسیقی مقامی هم در شرق است؛ هند، ایران... فرم غربی آن‌که همان موسیقی گریگوری است، در قرون وسطی در کلیسا کاربرد داشت. بعد این موسیقی تک‌نوا (مونوفونیک) به موسیقی چندنواایی (پلی‌فونیک) و ارکستر تبدیل شد. بنابراین ما ریشه‌های مشترکی داریم، پس باید

خودتان را معرفی کنید.

من آنتونیو پوچه آهنگساز ایتالیایی هستم و در استان لاتزیو و در نزدیکی رم تدریس موسیقی می‌کنم. ضمناً من مدیر هنری مؤسسه‌ای هستم و گروه‌های موسیقی تشکیل می‌دهم. چند سال پیش که یک گروه ایرانی به شهر ما آمده بود، با موسیقی ایرانی آشنا شدم و از آن خوشم آمد. از آن زمان هر سال برای جشنواره موسیقی فجر، گروه‌های ایتالیایی را آماده می‌کنم. اسماال پنجمین سالی است که همراه یک گروه موسیقی در جشنواره شرکت می‌کنم. گاه حتی بیش‌تر از یک بار در سال به ایران سفر کرده‌ام.

یکی از جذاب‌ترین قسمت‌های برنامه گروه، قطعه خلیج فارس بود. در توضیح آن در پرشور جشنواره نوشته‌اید: «همواره کشورهایی که دارای تاریخ و فرهنگ کهن می‌باشند، بایستی در برابر هر گونه تعارضی واکنش نشان دهند. قطعه خلیج فارس نمودی است از طرف ما برای خلیج همیشه فارس». فکر این قطعه از کجا آمد؟

اول فکر کردیم بد نیست قطعه‌ای ایتالیایی هم در برنامه داشته باشیم. طبیعتاً می‌بایست به ایران ربط داشته باشد. این اثر کار جوزپه آگوستینی رهبر گروه است و بر پایه ایده جالبی شکل گرفته: اونت‌های واژه «تهران» را با نت‌های واژه «رم» ترکیب کرده و به این ترتیب پیوندی نمادین بین این دو شهر ایجاد کرده است. پیوندی که اوج دوستی، تفاهم و توازن را نشان می‌دهد. سوئیتز قطعه خلیج فارس، «نمایش انسانیست» از عبارت لاتین Speculum Humanitatis گرفته شده که به معنی آینه بشریت است. بشریت همچون آینه‌ای است که تمدن‌ها را در خود نشان می‌دهد یا به عبارتی هر تمدنی آینه‌ای می‌شود برای بازنمایاندن تمدن دیگر. مثل یک گفت‌و‌مان است...

بله، ولی نه فقط این نیست، آمیزشی بین تمدن‌ها رخ می‌دهد. در ابتدا تمدن‌ها یکدیگر را نمی‌نگرند، سپس وجوه اشتراکی در تمدن مقابل به جا می‌آورند و آن‌گاه به تبادل



مکس، لباس کورزی

یکی از ویژگی‌های چشمگیر ایران، میهمان‌نوازی مردم آن است که از نظر من شاخص جوامع متمدن است. میهمان‌نوازی یعنی آمادگی برای تبادل، برای به‌جا آوردن خویش در تمدن دیگر... به همین دلیل کشوری که این وجه مشخصه را دارد، متمدن است.

راغبی بودید؟

بله. در این‌جا هم مثل همه سالن‌ها و تالارهای دنیا، آکوستیک صدا عالی ست، البته طبیعی ست که در سه ردیف اول انعکاس صدا مناسب نیست، اما از ردیف چهارم به بعد صدا پخش می‌شود و دیگر خشک و تخت نیست.

چه‌طور شد آنتونیو ویوالدی را انتخاب کردید؟ ما خواستیم مراکز اصلی کشور ایتالیا را در این کنسرت جمع کنیم؛ سازهای زهی از فلورانس، گروه کر درم و موسیقی ویوالدی از ونیز! این نیت که تصویری نمادین از ایتالیا ارائه دهیم، از این گذشته ویوالدی از سردمداران موسیقی ایتالیا به‌شمار می‌رود که در قرن هجدهم به اوج شکوفایی رسید.

و البته در ایران هم خیلی شناخته شده است... و

سوال کلاسیک آخر، نظراتان راجع به ایران

چیست؟

نظرم راجع به جامعه و فرهنگ ایران بسیار مثبت است. با ایرانی‌ها تشابهات زیادی را احساس می‌کنم. یکی از ویژگی‌های چشمگیر ایران، میهمان‌نوازی مردم آن است که از نظر من شاخص جوامع متمدن است. میهمان‌نوازی یعنی آمادگی برای تبادل، برای به‌جا آوردن خویش در تمدن دیگر... به همین دلیل کشوری که این وجه مشخصه را دارد، متمدن است. این گشاده‌رویی مردم ایران، آن‌ها را به روحیات مردم ایتالیا خیلی نزدیک می‌کند. من دوستان زیادی در ایران پیدا کرده‌ام. در این کشور دوست پیدا کردن آسان است!

و حرف آخر...

یادم می‌آید چند سال پیش وقتی یک گروه ایرانی برای اجرای موسیقی سنتی به ایتالیا آمده بودند، اتفاقاً در شهر رم یک گروه ایتالیایی هم موسیقی محلی و فولکلوریک اجرا می‌کرد. این دو گروه طی حرکتی فی‌البداهه و خارج از برنامه، لباس‌های یکدیگر را به تن کردند و به خلق گفت‌وگویی موسیقایی پرداختند. (قبلاً گفتم که موسیقی سنتی ایران و موسیقی محلی ایتالیا هر دو مقامی هستند، از این‌رو خیلی زود به زبان مشترکی رسیدند و ابتکارشان خیلی مورد استقبال قرار گرفت. این در حالی بود که آن‌ها حتی تمرین هم نکرده بودند!) ▶

ترجمه آنتونیا شرکا